

بسمه تعالی

## آینده انقلاب اسلامی و قدرت نرم آموزش عالی

\*حسین رضا پور

\*\* محمد حسین فتاحیان

### چکیده

آینده پژوهی، فرایند معرفی مجموعه‌ای از چشم اندازها و راه‌های ممکن برای ساختن آینده است. درک مناسب این چشم‌اندازها، تصمیم‌گیری درباره این که امروز چه تصمیماتی را می‌توان برای ساختن فردایی بهتر اتخاذ کرد، تسهیل می‌کند.

مقاله حاضر تلاش می‌کند تحلیلی از آینده قدرت نرم آموزش عالی جمهوری اسلامی، در تأمین اهداف انقلاب اسلامی براساس اسناد بالادستی از جمله سند چشم‌انداز، نقشه جامع علمی کشور و الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و روش روند شناسی و ظرفیت شناسی، تأثیرات آینده کارکرد آموزش عالی در چهار بخش تولید علم و فناوری، انتقال دانش و ارزش، نشر و اشاعه دانش و ارزش و جامعه‌پذیری و فرهنگ سازی را در منطقه و جهان ارائه دهد.

مهمترین تأثیرات آینده کارکرد آموزش عالی (چهاربخش) در تأمین اهداف انقلاب اسلامی (حفظ انقلاب، ارائه الگوی اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی و قدرت جهانی انقلاب اسلامی) عبارتند از: ارائه تصویری مثبت از انقلاب اسلامی، مرجعیت علمی، اقتدار علمی و شکل‌گیری تمدن اسلامی، توسعه منابع انسانی، بهبود مستمر فضای حاکم بر تربیت و اصلاح نگرش‌های ضد تربیتی در نظام آموزش عالی، جذابیت و صدور انقلاب و الگو شدن، مشروعیت سیاسی، افق‌گشایی و احیای هویت دینی، گسترش و بیداری اسلامی و...

واژگان کلیدی: قدرت نرم، آموزش عالی، آینده پژوهی

---

\* . استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی سمنان ۰۹۱۲۷۵۱۶۶۹۵ E:r.hosein14@yahoo.com

\*\* عضو هیئت علمی دانشگاه شهر کرد

هر نظام سیاسی باید بتواند افق های دورتر را ببیند و برای وقایع آن برنامه ریزی نماید. انجام کارهای بنیادی و تحقیقات راهبردی که برای حیات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی جامعه راهگشا باشد از وظایف آموزش عالی است. (جمالزاده، ۱۳۸۷: ۳۴۹)

اما تاکید بر مطالعات آینده در حوزه آموزش عالی به جهت اهمیت راهبردی علم، دانش و فناوری در چشم انداز آینده جهانی و نخستین عرصه رقابت بشری است. لذا غفلت از آینده انقلاب اسلامی به ویژه در حوزه علم و دانش و عدم طراحی مدل ها، سناریوها و چشم انداز های مطلوب مدیریتی جهت مواجهه با اوضاع پیش آمده، قطعاً پرهزینه و صدمات غیر قابل جبرانی در بر خواهد داشت. به علاوه یکی از پایه های اصلی تحقق پیشرفت و عدالت به عنوان از جمله رویکردهای آرمانی انقلاب اسلامی، از جمله گسترش علم و تعمیق آن در آینده است. پس مساله اصلی منتج از مطلب فوق توجه به مطالعات آینده انقلاب اسلامی در حوزه علم و فناوری است که یک چشم انداز آرمانی تلقی می شود. تحولات پر شتاب سالهای پایانی قرن ۲۰ و دهه آغازین قرن ۲۱ نشان از آن دارد که سرمایه های ناپیدا مانند دانش، به صورت سرچشمه اصلی در آمده و شاهد ورود به "عصر مبتنی بر دانایی" هستیم. به قول تافلر چیزی که اقتصاد موج سوم را به راستی انقلابی می سازد، این واقعیت است که در حالیکه زمین، کارگر، مواد خام و شاید حتی سرمایه می توانند منابعی محدود و میرا تلقی شوند، دانش به هر معنی، تمام نشدنی است. (الوین تافلر، ۱۹۹۳: ۱۶)

آموزش عالی به عنوان مهمترین عامل فرهنگ و تمدن ساز کشور یکی از مهمترین منابع قدرت نرم محسوب می گردد و می تواند در افزایش کارآمدی قدرت نرم انقلاب اسلامی، در محیط جهانی و منطقه ای ایفای نقش نماید. براین اساس سؤال اصلی پژوهش پیش رو این است که آموزش عالی با توجه به کارکردهایی که دارد چه تأثیراتی در تأمین اهداف و افزایش قدرت نرم انقلاب اسلامی در منطقه و جهان خواهد داشت؟

در این مقاله به منظور ارائه تحلیلی از آینده قدرت نرم آموزش عالی جمهوری اسلامی، در تأمین اهداف انقلاب اسلامی تلاش می کنیم بر اساس اسناد بالادستی<sup>۱</sup> از جمله سند چشم انداز، نقشه جامع علمی کشور و الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و روش روند شناسی و ظرفیت شناسی، تأثیرات آینده کارکرد آموزش عالی در چهار بخش تولید علم و فناوری، انتقال دانش و ارزش، نشر و اشاعه دانش و ارزش و جامعه پذیری و فرهنگ سازی را در منطقه و جهان مورد شناخت و تحلیل قرار دهیم.

### مفاهیم و کلیات

**قدرت نرم:** قدرت نرم در گفتمان اسلامی به شدت اخلاقی و روش مند است؛ به گونه ای که بین قدرت و سلامت نفس پیوند می زند. (افتخاری، سخت افزار گرایی نوین، ۱۳۹۰: ۱۰-۱۳) براین اساس «قدرت نرم» به قدرت برآمده از اعتقاد و ایمان به امر متعالی اشاره دارد که از درون شکبه روابط هنجاری تولید می شود. (افتخاری، کاربرد قدرت نرم، ۱۳۹۰: ۱۷-۱۸)

<sup>۱</sup> منظور از اسناد بالادستی، اسنادی است که به تصویب بالاترین مرجع قانون گذاری رسیده است و جنبه قانونی دارد. این اسناد باید جهت دهی محور برنامه ریزی بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت کشور به منظور پیشرفت همه جانبه قرار گیرد. در اینجا اسناد بالادستی از جمله؛ قانون اساسی، سند چشم انداز و نقشه جامع علمی کشور و برنامه های پنج ساله توسعه مورد نظر است. بر این مبنا که اگر ملتی و تمدنی بخواهد در آینده بازیگر اصلی باشد باید با اطلاع از ممکن ها و محتمل های آینده، آینده مطلوب خود را مشخص نماید. طراحی چنین آینده ای برآیندی از جایگاه آینده نگری در اسناد بالادستی در جمهوری اسلامی ایران است.

**آینده پژوهی:** عبارت است از توانایی ایجاد و حفظ یک چشم انداز جامع و علمی از آینده و استفاده از این چشم انداز برای اتخاذ برنامه‌های مفید در حوزه‌های مورد نظر. (دی تور، ۱۰۱ - ۱۰۳)

یکی از راه‌های شناسایی آینده قدرت نرم آموزش عالی روند شناسی (تجزیه و تحلیل روند (TREND ANALYSIS)) است. روند شناسی تاریخی در واقع بیان تحقق تدریجی افق‌ها و امکانات آرمانی است. (مظاهری، ۱۳۹۳: ۵۴) یکی دیگر از راه‌های شناسایی آینده قدرت نرم آموزش عالی شناسایی ظرفیت‌های آن است. مراد از ظرفیت‌ها کلیه داشته‌های بالقوه و بالفعل و بهره‌گیری کافی از آن‌ها است که بستر شکل‌گیری آینده مطلوب را فراهم می‌کند. (همان: ۴۸) در پژوهش حاضر سعی خواهیم کرد با توجه به این دو روش تحلیلی از آینده قدرت نرم آموزش عالی جمهوری اسلامی، در تأمین اهداف انقلاب اسلامی ارائه دهیم.

### ۱. تأثیرات آینده کارکرد تولید علم و فناوری بر اهداف انقلاب اسلامی

یکی از مهمترین اولویت‌های هر نظام سیاسی، تلاش در راستای دستیابی به توسعه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است. این مساله در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز از اهمیت بسیاری برخوردار می‌باشد به گونه‌ای که در اسناد فرادستی و فرودستی کشورمان به این موضوع توجه ویژه‌ای شده و برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور، سند چشم‌انداز بیست‌ساله و نامگذاری دهه چهارم انقلاب به نام دهه عدالت و پیشرفت - جایگاه محوری علم و فناوری در آن - نشان‌دهنده اهمیت این موضوع در میان سیاستگذاران نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است. اینکه انقلاب اسلامی به حق تشخیص داده که راه غلبه بر عقب‌ماندگی مزمز تاریخی ملت ایران در "علم" است. یعنی اگر بخواهیم بر یکی از مهم‌ترین آسیب‌های ملی یعنی عقب‌ماندگی، غلبه کنیم مهمترین و اولویت‌دارترین راه، پرداختن به علم است. از این طریق می‌توان این امر مهم را محقق کرد. امروزه، نقش تعیین‌کننده علم و فناوری در رشد و توسعه کشورها و ارتباط بسیار نزدیک توسعه اقتصادی با ظرفیت یک کشور در به دست آوردن، خلق، جذب، اشاعه و استفاده از فناوری به یک باور عمومی تبدیل شده است. از این رو است که اکثر کشورها و به ویژه کشورهای در حال توسعه، مبالغ بسیاری به زیرساخت‌های مرتبط با علم و فناوری اختصاص می‌دهند تا بتوانند نوآوری‌های علمی و فنی را به تولید اقتصادی تبدیل کنند

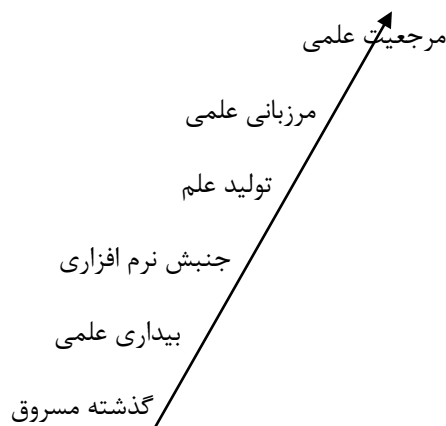
تأثیرات آینده کارکرد تولید علم و فناوری در تأمین اهداف انقلاب اسلامی (حفظ انقلاب، ارائه الگوی اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی و قدرت جهانی انقلاب اسلامی) عبارتند از:

#### ۱-۱. ارائه تصویر مثبت از انقلاب اسلامی

در جمهوری اسلامی ایران دانشگاه مبداء تحولات فکری، علمی، سیاسی و اجتماعی است و قادر است با بهره‌گیری از فن‌آوری جدید، ضمن ارتقاء تولید علم جایگاه ایران را در منطقه و جهان افزایش دهد. علاوه بر آن بومی کردن علم و کمک به خودباوری و گسترش جنبش نرم‌افزاری به عنوان هسته‌ای اصلی تولید علم تصویر مثبت از ایران در عرصه جهانی ارائه دهد. تصویری که ضمن حفظ اصالت‌های تاریخی کشور و باورهای آن ایران را بر قله‌ی رفیع پیشرفت و توسعه قرار می‌دهد. در نتیجه این پیشرفت استقلال و آزادی کشور به عنوان مهمترین دستاورد انقلاب حفظ گردیده و موقعیت مردمی سیستم سیاسی کشور یعنی مردم‌سالاری دینی فقه محور ارتقاء و جایگاه آن در داخل و خارج تحکیم می‌یابد. (افتخاری، قدرت نرم، فرهنگ و امنیت، ۱۳۸۷: ۱۹۱)

#### ۱-۲. مرجعیت علمی

جنبش نرم‌افزاری و حرکت به سمت مرجعیت علمی که از دیدگاه رهبر معظم انقلاب به عنوان یک استراتژی تبیین شده است، در راستای آینده قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران قابل تفسیر است. علم و دانش به مثابه عامل افزایش توان فرهنگی و فکری جوامع گذشته‌ای پربار در ایران داشته که به سرقت رفته و آینده موعود ماست که بدان بشارت داده شده است. تحقق این که ما را به مرجعیت علمی نیز خواهد رساند کاربردی نمودن مدل مفهومی است که در شکل زیر نشان داده شده است. (گودرزی، ۱۳۸۷: ۱۴۰-۱۴۷)



براساس ظرفیت ها و تحلیل روند و سند چشم انداز در افق ۱۴۰۴ «جمهوری اسلامی ایران با اتکال به قدرت لایزال الهی و با احیای فرهنگ و برپایی تمدن نوین اسلامی- ایرانی برای پیشرفت ملی، گسترش عدالت و الهام بخشی در جهان، کشوری برخوردار از انسانهای صالح، فرهیخته، سالم و تربیت یافته در مکتب اسلام و انقلاب و با دانشمندی در تراز برترینهای جهان؛ توانا در تولید و توسعه علم و فناوری و نوآوری و به کارگیری دستاوردهای آن و پیشتاز در مرزهای دانش و فناوری با مرجعیت علمی در جهان» خواهد بود.

رهبر معظم انقلاب اسلامی با درکی هوشمندانه از ظرفیت کشور در ایفای این نقش خطیر و نیز با اشراف بر امکانات و استعدادهای عظیم موجود در کشور، خواستار هدفگذاری دقیق در زمینه علم و فناوری و برنامه ریزی های عملیاتی زمان بندی شده و یکپارچه در سطوح مختلف این عرصه شده اند. ایشان بارها بر لزوم بهره برداری بهینه از مجموعه منابع کشور برای حرکتی منظم و پیوسته از وضعیت موجود به جایگاه علمی آرمانی، در قالب نقشه جامع علمی کشور تأکید داشته اند. (سند چشم انداز دانشگاه تهران در افق ۱۴۰۴)

اگر بخواهیم دارای شاخص های پیشرفته و فوق روز در حوزه ملی و فراملی باشیم باید در حوزه تولید علم و فناوری به خود کفایی و مرجعیت برسیم. تا هم از جریان پیشرفت روز عقب نمانیم و هم به شکلی در حفظ انقلاب که حاصل کوشش هزاران انسان و شهید این کشور است حرکت کنیم. برای رسیدن به مرجعیت علمی حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجرای بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی سیاستهای کلی «علم و فناوری» را که پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین شده است، ابلاغ کردند. (متن کامل سیاستهای کلی «علم و فناوری» در سایت: دفتر مقام معظم رهبری) اجرای این سیاست ها در آینده می تواند ما را به مرجعیت علمی و در نهایت قدرت جهانی و منطقه ای تبدیل نماید و راه رسیدن به تمدن اسلامی را هموار نماید.

### ۱-۳. شکل گیری تمدن اسلامی

انقلاب اسلامی با خدشه دار کردن مطلقیت غرب و به تبع نتایج مطالعات شرق شناسی، گذشته و تاریخ تمدن اسلامی را به آینده متصل کرده است. به تعبیر مقام معظم رهبری: «چشم انداز حرکت ملت ایران با این زمینه ای که مشاهده می کنید چشم انداز بسیار روشنی است؛... همه این ها به ما نوید می دهد که ما انشاءالله خواهیم توانست تمدن اسلامی متعلق به ملت ایران را برای این دوره و برای ملت اسلامی در این زمان بار دیگر سر دست بیاوریم و الگویی را برای حرکت امت اسلامی انشاءالله ارائه بدهیم.» (بیانات مقام معظم رهبری: ۱۳۸۷/۲/۱۷)

تمدن اسلامی فقط خواسته و مطلوب انقلاب اسلامی نیست بلکه علاوه بر آن، اولاً؛ روند تاریخی پیشرفت علمی ملت ایران بویژه در چند دهه اخیر، ثانیاً؛ ظرفیت تمدنی آموزش عالی کشور تحقق چنین آینده ای را نوید می دهد. «ملت ایران همچنان که شأن اوست، در حال پدید آوردن یک تمدن است... ما در این صراط و در این جهت هستیم. نه این که ما تصمیم بگیریم این کار را بکنیم بلکه حرکت تاریخی ملت ایران در حال به وجود آوردن آن است.» (بیانات مقام معظم رهبری: ۱۳۷۳/۱/۱) برای

شکل دادن به این مرحله، نیازمند در اختیار گرفتن دو حوزه کلیدی است: حوزه تعلیم و حوزه تربیت مدیران و کارگزاران نظام اسلامی. تمدن برساخته توانمندی علمی، همه گیر شدن روحیه دانش و فراگیر شدن خردورزی است و اساساً تمدن و علم، دوروی یک سکه اند. (کریمی مله، ۱۳۸۰: ۳) با توجه به تحولی که در حوزه های علمیه و دانشگاه ها در حال وقوع است. به نظر می رسد در آینده شاهد شکل گیری گفتمان علوم انسانی اسلامی که پایه اصلی تولید علوم اسلامی است و تمدن اسلامی کامل ترین نقطه ارتقا و بسط انقلاب اسلامی تا پیش از ظهور حضرت حجت باشیم.

آموزش عالی کشور ظرفیت تمدنی خود را از دو طریق و از دو منبع به دست آورده است: از منبع دینی و ظرفیت های متخذ از منبع بشری. در میان همه ادیان و آیین ها، دین اسلام و آیین تشیع مهم ترین خاستگاهی هستند که می توانند منشأ بودن این منبع هم بعد نظری و هم بعد عملی دارد، یعنی اسلام و تشیع هم در مقام نظر و تفکر تمدن زاهستند، فارغ از این که عملاً به تمدنی دست یافته باشند یا خیر، وهم در مقام عمل و در بستر تاریخ از تجربه تمدنی برخوردارند. آموزه های اسلام و تعالیم ائمه اطهار منبعی بسیار غنی برای تمدن سازی و تمدن زایی است. (مظاهری، ۱۳۹۳: ۱۴۴، ۱۴۵) همه دانشمندان مسلمان و بسیاری از مستشرقان پژوهشگر درباره مبانی اسلام بر این باورند که اسلام تنها دینی است که اندیشه آرمانی جامعی درباره زندگی فردی و حیات اجتماعی ارائه می دهد. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۹۴) و از معیارهای جهان بینی خوب و کامل آرمان ساز و آرزو خیز بودن آن است. (مطهری، مجموعه آثار، ج ۲، ۱۳۶۸: ۸۴) مکتبی که عاری از این خصوصیت باشد، شوق و رغبت را از پیروانش می گیرد. (همان: ۲۳) تفاوت اسلام با دیگر جهان بینی ها در این است که در اسلام بلندترین آرمان ها و متعالی ترین آرزوها در پیش روی بشر ترسیم شده اند. آرمان ها و اهدافی که در عین بلند و متعالی بودن واقعی و مبتنی بر ظرفیت وجودی انسان هستند. بلند نگری و تعالی خواهی اسلام در سه بعد فردی (فطرت)، اجتماعی (حیات طیبه) و تاریخی (سیر از هبوط تا ظهور) نمایان است. (مظاهری، ۱۳۹۳: ۱۵۴-۱۷۰) انقلاب اسلامی که بر پایه اسلام و تشیع بنا شده و موجب احیای آن در سطح جهان شده استفاده از این ظرفیت ها را آغاز نموده است.

مراد از منبع بشری نیز کلیه تجارب و داشته های تاریخی است که می شود در بالندگی و تکامل انقلاب اسلامی از آن بهره برداری کرد. (همان: ۱۴۷) در اسلام گذشته از تشویقی که به تعلیم و تعلم شده است، یکی از عوامل شکوفایی استعدادها این بود که مرزها را درهم شکست و در اثر درهم شکستن مرزها تلاقی بین تمدن ها واقع شد و در این تلاقی ها بود که ایرانی ها که بالفطره استعدادشان خوب بود توانستند استعدادشان را بروز دهند. (مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۳، ۱۳۶۸: ۸۰۵)

یکی از ویژگی های تمدن گذشته اسلامی وجود فضای تبادل فرهنگی و تلاقی تمدنی بود؛ فضایی که در آن، علاوه بر این که مسیر تاریخ همه علوم گذشته از تمدن اسلامی عبور کرد، علوم و دستاوردهای نو و جدیدی نیز قافله علم و تمدن را همراهی کرد. این ویژگی در تمدن آینده اسلامی نیز وجود خواهد داشت، منتها نحوه این عبور و ورود با گذشته متفاوت خواهد بود. تغییر تمدن ها در گذشته به دلایل مختلف از جمله جهانی نبودن آن ها عمدتاً به شکل مرگ و حیات بوده است. مثلاً تمدن اسلامی بر ویرانه های تمدن یونان و دیگر تمدن ها بنا شد و زمانی سر برآورد که تمدن های دیگر حیات خود را از دست داده بودند و تنها محصولات آن ها در دسترس بود. اما به نظر می رسد نوع تصرف و عبور از تمدن غربی به چند جهت با گذشته متفاوت است:

اول این که این تمدن جنبه فرهنگی و ایدئولوژیک بیشتری نسبت به تمدن های گذشته دارد. به همین دلیل نوع اضمحلال و انقراض و همچنین عبور از آن فرهنگی است و این روند تغییر را متفاوت و کند می کند. به تعبیر برخی متفکران «عبور از تمدن غرب به دو صورت امکان پذیر است: اول این که تمدن فرامردن بر ویرانه های تمدن مدرن ساخته شود و دوم اینکه از دل آن، بدون طی کردن پروسه اضمحلال، زاییده شود. به نظر می رسد نوع عبور از تمدن کنونی غرب صورت دوم باشد.» (به نقل از: مظاهری، ۱۳۹۳: ۱۴۹، ۱۵۰)

دوم این که تمدن غربی، برپایه غفلت از فطرت الهی و در نتیجه انکار عالم قدس بنا شده است. به همین دلیل نشانه های تمدن آینده با تذکر به فطرت الهی نمایان می شود و انقلاب اسلامی، با عنوان احیاگر تمدن اسلامی، تذکر و برگشتی به فطرت الهی است.

سوم این که تمدن کنونی غرب با جهانی سازی و با سرپوش گذاشتن بر دیگر تمدن ها و فرهنگ ها خود را اثبات کرده است. در واقع تمدن غربی به همگان القا کرده است که فرهنگ های دیگر تجربه تمدنی خود را عرضه کرده اند و هیچ کدام نتوانسته

اند در تاریخ باقی بمانند. تمدن غربی بر پایه میراث همه تمدن های گذشته البته با تغییر جهت اساسی در آن ها، تغییر جهتی که هیچ مناسبتی میان آن و جهت تمدن غربی نیست، بنا شده است. غرب تاریخ همه ملل و فرهنگ های دیگر را دوران طفولیت خود معرفی می کند و خود را دوران بالندگی همه تمدن ها و فرهنگ های گذشته می پندارد. شاید گفته شود هر تمدنی این کار را انجام می دهد اما باید توجه داشت به طور مثال اگر در تمدن اسلامی فلاسفه اسلامی ارسطو و افلاطون را حکیمان الهی می خواندند، به جهت مناسبتی بود که میان آن ها و خود می دیدند، اما شرق شناسی مناسبتی میان فرهنگ های گذشته و فرهنگ غرب نمی بیند بلکه آن ها را مرحله کودکی و جهالت خودش می داند. (همان: ۱۴۹-۱۵۲)

اما به هر حال این سلطه در حال افول است و انقلاب اسلامی با پیشرفت های علمی خود خروج از این انحصار را آغاز کرده است. به تعبیر هانتینگتون گسترش غرب به انتها رسیده و طغیان علیه غرب آغاز شده است. (هانتینگتون، ۱۳۷۸: ۸۲)

بنابراین داشتن یک مکتب مترقی که توان هدایت بشری به سمت صلاح دنیوی و اخروی دارد، می تواند انرژی بسیار مترکمی را برای پیشرفت و تمدن سازی در اختیار بگذارد. لذا این عامل که قبلاً تمدن بزرگ اسلامی را به جهانیان نشان داده است در عصر جدید و پس از انقلاب اسلامی می تواند با ظرفیت درونی خود را با جهان تطبیق نموده و تمدن اسلامی افول یافته در اعصار گذشته را با قدرتی بیشتر احیا نموده و براساس آن جامعه به گستره کل جهان نشان دهد. دین اسلام به همه ابعاد بشری توجه نموده است و لذا عمل به این دین با وجود دیگر زمینه های پیش گفته و آتی می تواند آینده ای با عزت و اقتدار برای جهان اسلام رقم زند و ضمن احراز رهبری جهان اسلام، بقیه ملتها را نیز با حکمت و عقلانیت اداره نماید. (اکبری، ۱۴)

#### ۱-۴. اقتدار علمی

پایه اول اقتدار علمی این است که در ملت اقتدار، خود باوری، توانمندی و... ایجاد کند و آن را به منطقه و جهان عرضه نماید. دانشگاه با توجه به ظرفیت ها و روند موجود و نقشه راه می تواند از پایگاه خودش تحقیر زدایی و ایجاد اقتدار بکند. البته چون در کشور ما نظامات مدرن در بخشی از بخش های آن وجود دارد، یک سری نیازمندی ها هم داریم، دانشگاه آن نیازمندی ها را نیز جواب می دهد. به عنوان مثال ما الان نظامات اقتصادی اسلام را نداریم؛ بنابر این دانشگاه تورم را حل بکند. اگر دانشگاه توانست تورم و چند مسئله دیگر را حل کند، با استراتژی استقلال علمی به این معنا که همه ی معادلات غرب را تبیین و اجرا بکند؛ متفاوت است. استراتژی اقتدار علمی بر نظام موضوعاتی به عنوان بافت پایان نامه ها و تحقیقات تاکید میکند که نتیجه پردازش این نظام موضوعات منجر به نظام سازی ذهنی، تحقیر زدایی و روحیه خودباوری در جامعه می شود. بنابر این مبنای حرکت دانشگاه های ایران باید اقتدار علمی قرار گیرد. با توجه به آنکه اقتدار علمی و استقلال علمی با یکدیگر تفاوتی بسیار ظریف دارند. چرا که امروزه دانشگاه ها باید نیازهای فعلی کشور را پاسخ دهند و در حال حاضر دانشگاه های کشور ما بر اساس نظام معادلات مدرن اداره میشوند، ولی غرض نباید این باشد که تصویر دانشگاه در ذهن مسئولان و نخبگان همین نظام معادلات مدرن باشد. به عبارت دیگر فعلاً بر همین اساس از وابستگی کشور جلوگیری کند؛ ولی به تدریج با تحقیر زدایی از لایه اول عبور کرده و به لایه دوم ورود پیدا می کند. به عنوان مثال در سال ۱۳۷۹ که حضرت امام خامنه ای به دانشگاه امیر کبیر تشریف بردند؛ و شعار جنبش نرم افزاری را طرح کردند. حال کشور ما بر اساس ثبت مقالات در ISI از آن زمان تا کنون از چه رتبه ی علمی به چه رتبه ای رسیده است؟ در حال حاضر اعلام شده است که اگر با همین نرخ شتاب به حرکت ادامه دهیم در سال ۲۰۱۷ به رتبه چهارم دنیا خواهیم رسید. یعنی کشوری که روشنفکران آن در دوره ای بیان میکردند که ما آفتابه نمیتوانیم بسازیم، بر اساس استانداردهای علمی به رتبه چهارم رسیده است. حال ممکن است این سؤال طرح شود که شما که این نظام علمی را قبول ندارید، پس چرا در آن ورود پیدا کردید؟ پاسخ آن است که اگر از ابتدا مطرح میکردیم که قصد داریم علمی جدید و متناسب با ارزشهای خودمان بسازیم، به علت تحقیر صورت گرفته در گذشته این اتفاق رخ نمی داد. اما با طی یک پروژه بیست ساله که امام خامنه ای تعریف کردند، جامعه ی علمی، کشور ایران و حتی مسلمانان جهان را از این تحقیر علمی خارج میکنند. حال اگر ایران به رتبه چهارم علمی دنیا برسد، و به عبارتی در ردیف چهار کشور علمی دنیا قرار بگیرد، این سخن که قصد داریم معادلات جدید علمی ایجاد کنیم، در عرصه بین المللی و داخلی بی ربط به نظر نمی رسد.

مرحله اول اقتدار علمی، اقتدار علمی بر اساس استانداردهای علمی دنیا است. که دانشگاههای ایران در این مرحله هستند. امروزه در دانشگاههای ایران این تلقی وجود دارد، که ایشان مشغول پاسخگویی به نیازهای توسعه مادی هستند. به عبارت

دیگر در حال حاضر یک نوع توسعه مادی تعریف شده است و دانشگاه خود را متکفل این مسئله می داند. بنا براین ما در مرحله پاسخگویی علمی به نیازهای توسعه مادی هستیم؛ و مرحله آینده ما پاسخگویی علمی به نیازهای مبنای انقلاب اسلامی یعنی نظام سازی اسلامی است. اما قبل از تحقق مرحله پاسخگویی به نیازهای مبنای انقلاب لازم است، یک دوره ای تحت عنوان فهم چگونگی پاسخگویی دانشگاه به مبنای انقلاب تعریف میشود. چرا که دانشگاه باید تصویری از مبنای انقلاب داشته باشد تا بتواند برای آن تولید معادله کند. بنابر این برای انتقال به دوره آینده یعنی مرحله پاسخگویی به نیازهای انقلاب باید مرحله ای برای فهم چگونگی پاسخگویی به نیازهای انقلاب برای دانشگاه تعریف کنیم. لذا در حال حاضر انقلاب اسلامی به وسیله دانشگاه فعلی - که بر اساس پاسخگویی به نیازهای توسعه مادی اداره می-شود- مشغول ایجاد اقتدار علمی است. اگر از ادبیات انقلاب سؤال شود: چرا به دنبال انرژی هسته ای و هایتک ها هستید، پاسخ میدهند که اولاً به این فناوری ها نیازمند هستیم؛ ثانیاً ما به دنبال اقتدار علمی هستیم و البته دلیل اصلی ما نیز همین است. به عبارت دیگر در حال حاضر مشغول شکستن تحقیری که در دوره قاجار و پهلوی توسط روشنفکران اتفاق افتاده است؛ هستیم.

بنابر این مرحله دوم اقتدار علمی، فهم پاسخگویی علمی دانشگاه به نیازهای انقلاب است. و مرحله سوم، پاسخگویی علمی به نیازهای علمی انقلاب اسلامی نام دارد. لذا اگر توجه شود، در هر سه دوره اقتدار علمی اشراب شده است. اکنون که دانشگاه گمان میکند به دنبال توسعه مادی است، می شود برای ایجاد اقتدار از آن استفاده کرد. وقتی دانشگاه از تحقیر خارج شد، باید پروسه ای را شروع کرد که فهم نظام سازی اسلامی در دانشگاه ایجاد شود. هر گاه این فهم در دانشگاهها ایجاد شود، به مرحله سوم وارد خواهیم شد. بنا براین مراحل سه گانه تحقق اقتدار علمی عبارت است از اقتدار علمی در فضای استقلال علمی، اقتدار علمی در فضای فهم نظام سازی اسلامی و اقتدار علمی در فضای تولید معادلات برای نظام سازی اسلامی. که هر سه لایه منجر به ایجاد اقتدار میشود. و دوباره تکرار میشود که در حال حاضر دانشگاههای ایران در مرحله اول یعنی پاسخگویی به توسعه مادی است. یعنی در بهترین حالت یک دانشجو به دنبال این است که برای تحصیل به خارج از کشور برود و پس از تحصیل برای خدمت و ایجاد استقلال به کشورش بازگردد. در این شرایط ادبیات انقلاب به دنبال استفاده از فضای استقلال علمی برای ایجاد اقتدار است. که انتهای این مرحله سال ۲۰۱۷ است. یعنی پس از آنکه بر اساس ISI ما در رتبه چهارم جهان قرار گرفتیم، موجود زنده به فضا فرستادیم، انشالله ماهواره را در مدار ژئو مستقر کردیم و به چند هایتک دیگر دست یافتیم؛ همه مردم «ما می توانیم» را در عرصه علم باور میکنند. در مرحله دوم به دلیل فهم مفهوم نظام سازی اسلامی و قدرت حل مسائل جدید، مسائلی را که معادلات غرب نتوانسته حل کند؛ توسط دانشگاه های ایران حل خواهد شد. بنابر این نقشه راه تحول در دانشگاه شامل ۲۷ موضوع غیر قابل حل ساینس است. که اولاً اقتدار بین المللی برای نظام حاصل می شود و ثانیاً اجمالا نظام سازی اسلامی نیز تبیین می شود. بنابر این باید در سال ۲۰۱۷ بر اساس این فکر کارشناس، کتب و نقشه های اجرایی به مقدار لازم وجود داشته باشد. شاید این مرحله نیز بیست سال به طول بیانجامد. یعنی بیست سال برای جا انداختن نظام سازی اسلامی و نه کتاب نوشتن، چرا که کتاب نوشتن آغاز جا انداختن است. انشالله اگر مرحله دوم نیز محقق شود، یعنی بتوانیم برخی از مسائل غیر قابل حل برای دستگاه فکری غرب را حل کنیم، میتوانیم وارد مرحله سوم یعنی تولید معادلات در همه ی عرصه های زندگی بشر بشویم، که آن هم لوازم دیگری دارد. در حال حاضر نقشه راه در مرحله شناسایی مسائل غیر قابل حل است. به عبارت دیگر نقشه راه به دنبال مسائل پزشکی، اقتصادی، جامعه شناسی و... است که غرب تاکنون نتوانسته است به آنها پاسخ دهد. اگر ما بتوانیم به آنها پاسخ بدهیم، نتیجه ی آن تحقیر علمی غرب و اقتدار علمی ما میشود. در آن زمان گزارش پایش فرآیند انتقال که در نقشه راه وجود دارد؛ منتشر می شود. و مطالعه ی این گزارشها منجر به فهم اجمالی نظام سازی اسلامی در جامعه می شود. و پس از آن آغاز مرحله سوم می باشد. پیش بینی ما این است که آن مرحله هم بیست سال طول میکشد. مانند مرحله اول که بیست طول کشیده است.

حال موضوع انتقال ما به مرحله سوم چیست؟ آن موضوع در دانشگاه ها الگو اداره جامعه است. یعنی اگر الگوی اداره جامعه را خرد کنیم و از دانشگاهها بخواهیم برای اداره جامعه متناسب با ارزش ها و شرایط خودمان الگویی تولید بکنید، این سخن با استقبال دانشگاه مواجه می شود. چرا که حتی افرادی که الگوی غربی را مناسب می دانند، چون لحاظ بوم را لازم می دانند، قبول دارند که امروز ما برای اداره کشور الگوی مشخصی نداریم. پس همه حاضر به مشارکت در این پروژه هستند. به این بیان که یک ابر پروژه ملی با نام تبیین چگونگی اداره جامعه ایران تعریف بشود. و این ابر موضوع به ریز موضوعات نیز تقسیم شود. به عنوان مثال الگوی تغذیه، آموزش، سلامت، بهداشت، امنیت، سیاست، عدالت و... که نقشه راه در نه محور اصلی و ۲۷ ریز موضوع این بحث را جمع بندی کرده است. اگر این مسئله روی میز دانشگاه قرار بگیرد، به تدریج زمینه فهم نظام سازی

اسلامی در دانشگاه‌ها را ایجاد میکند. پس وحدت موضوع انتقال ما از مرحله دوم به مرحله سوم نحوه اداره جامعه است، به عبارت دیگر محل جمع ۲۷ موضوع غیر قابل حل در دستگاه فکری غرب، مسئله اداره جامعه در بخش‌های مختلف است. به عنوان مثال در مسئله امنیت که مسئله ای غیر قابل انکار برای هر جامعه ای است، جامعه امریکا نتوانسته است، در کشورش امنیت را پیاده کند. بنا بر این ما برای ایجاد امنیت نمی‌توانیم از مدل‌های آنها استفاده کنیم. در این صورت اگر به این مسئله پاسخ دهیم در ضمن آنکه یک مسئله ضروری برای یک کشور را حل کرده ایم، توانسته ایم کار آمدی نظام فکری خود را ثابت کنیم. و فهمی و لو اجمالی از نظام سازی اسلامی در ذهن مخاطبان ایجاد کنیم. بنا بر این وحدت موضوعات (انتقال دانشگاه به مرحله پاسخگویی به نیازهای علمی مبنای انقلاب اسلامی)، نحوه اداره جامعه است. لذا اگر در دانشگاه متمرکز شویم و به همه بخش‌های آن بگوییم که برای اداره جامعه فارق از الگوی‌های موجود که معایبی دارند، الگو‌هایی نیاز داریم، ایشان قبول می‌کنند. چرا که کار دانشگاه ارائه الگو در حوزه‌های امنیت، سلامت و ... است. بنا بر این با گفت و گوهایی که پیرامون مسئله مشترک صورت می‌گیرد، نظام سازی اسلامی اجمالا فهم میشود. مانند بررسی پیرامون آکسیوم‌های در نظر گرفته شده، روش تحقیق و ... که مخاطب با توجه به کارآمدی صورت گرفته در الگوی ارائه شده، می‌پذیرد که نظام فکری شما برتر است. و این اتفاق از طریق آموزش روش تحقیق اتفاق نیافتاده است. بنابر این با پردازش نحوه اداره جامعه ایران از مرحله دوم اقتدار علمی به مرحله سوم اقتدار علمی انتقال پیدا میکنیم. در حال حاضر ما نقشه این موضوعات را داریم و آماده طرح می‌باشد. (علی بابایی، ۱۳۹۳: ۲۶-۳۳) بنابراین اقتدار علمی در نهایت منجر به حفظ انقلاب، ارائه الگوی اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی و قدرت جهانی انقلاب اسلامی می‌شود.

## ۲. تأثیرات آینده کارکرد تربیتی آموزش عالی بر اهداف انقلاب اسلامی

براساس سند چشم انداز در افق ۱۴۰۴، ایران دارای جایگاه ممتاز در خلق علم و فناوری بوده که از نظر علمی، در سطح جهانی و منطقه ای مرز شکن و تربیت کننده انسان‌هایی مؤمن، فرهیخته، آزاداندیش و کارآفرین می‌باشد. (همان) مهمترین تأثیرات آینده کارکرد تربیتی آموزش عالی در تأمین اهداف انقلاب اسلامی (حفظ انقلاب، ارائه الگوی اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی و قدرت جهانی انقلاب اسلامی) عبارتند از:

### ۲-۱. اصلاح نگرش‌های ضد تربیت در نظام آموزش عالی

با توجه به نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی که توسط شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در حال تدوین و تصویب است و با توجه به ظرفیت‌های موجود در نظام آموزش عالی کشور ما شاهد اصلاح نگرش‌های ضد تربیت و در نتیجه افزایش کارکرد تربیتی آموزش عالی در تأمین اهداف انقلاب اسلامی خواهیم بود.

به اعتقاد اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی اصلی ترین نهاد متکفل تربیت نهاد خانواده است. به عبارت دیگر اگر خانواده وجود نداشته باشد، تربیت اسلامی به شکل کامل محقق نخواهد شد. بنابر این برای تحقق تربیت اسلامی باید نگرش‌های ضد نهاد خانواده شناسایی و اصلاح شود. چرا که هر مدل ضد خانواده، ضد تربیت اسلامی است. عوامل موثر بر خانواده در دو دسته کلی طبقه بندی می‌شوند. دسته اول از عوامل موثر بر نهاد خانواده عوامل درونی و دسته دوم عوامل بیرونی می‌باشد. از جمله عوامل درونی موثر بر نهاد خانواده روابط پدر و مادر با یکدیگر، رعایت حقوق فرزندان به وسیله والدین و ... می‌باشد. بنابر این عوامل درونی، عواملی هستند که در اختیار اعضاء خانواده می‌باشند. اما عوامل دیگری نیز وجود دارد که ضمن تاثیر بر مسئله تربیت در حوزه اختیار پدر و مادر نیستند. به عبارت دیگر نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی معتقد است برای حل مسئله تربیت باید فضای حاکم بر نهاد خانواده مستمرا بهبود یابد. و اگر بدون توجه به فضای حاکم بر مسئله تربیت و صرفا ناظر به عوامل درونی تربیت برنامه ریزی شود؛ عوامل بیرونی موثر بر تربیت و یا به عبارت نقشه راه؛ نگرش‌های ضد تربیت، مانع تحقق کامل تربیت اسلامی در خانواده میشوند. بنابر بیان تمثیلی که مطرح خواهد شد، مختصات الگوی پیشنهادی نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی در مسئله تربیت این گونه است که مهمترین عوامل تربیت، عوامل بیرونی تربیت است که باید اصلاح شود.

یکی از عوامل بیرونی موثر بر تربیت، نظام آموزش کشور است. چرا که هر پسر و دختری که تشکیل خانواده می‌دهند، مدتها در این نظام آموزشی تحصیل کرده است. و اگر این نظام آموزشی، آموزش‌های متناسب با نهاد خانواده را به دانش آموزان منتقل نکند، این افراد در زندگی مشترک دچار مشکل میشوند؛ در حالی که مقصر ایشان و یا والدین نبوده‌اند. بلکه ریشه این



مشکل، نگرش خاصی است که بر نظام آموزشی حاکم بوده است. (علی بابایی، ۱۳۹۳: ۱۱-۱۴) که این نگرش با اجرای طرح نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی اصلاح خواهد شد و کارکرد تربیتی آموزش عالی هم افزایش پیدا خواهد کرد و در نتیجه موجب افزایش قدرت نرم انقلاب اسلامی در منطقه و جهان خواهد شد.

## ۲-۲. بهبود مستمر فضای حاکم بر تربیت

با توجه به نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی که توسط شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در حال تدوین و تصویب است و با توجه به ظرفیت های موجود در نظام آموزش عالی کشور ما شاهد بهبود فضای حاکم بر تربیت و در نهایت افزایش قدرت نرم آموزش عالی خواهیم بود.

برای بهبود مستمر فضای حاکم بر تربیت باید فضای حاکم را شناسایی کرد. چرا که اگر فضای حاکم درست تشخیص داده نشود؛ و یا ناقص شناسایی شود؛ تربیت اسلامی به صورت کامل محقق نخواهد شد. به عنوان مثال مسئله اقتصاد مورد توجه است ولی ده ها مسئله دیگر مورد غفلت واقع می شود.

لذا برای شناسایی صحیح بافت موضوعات بیرونی موثر بر تربیت، لازم است شناخت صحیحی از بافت ساختارهای اداره کننده جامعه وجود داشته باشد. چرا که عوامل بیرونی، جزئی از ساختارهای اداره کننده

جامعه هستند. بنا بر این به صورت منطقی میتوان نتیجه گرفت؛ هر عامل بیرونی که بر مسئله تربیت تاثیرگذار است؛ منبعث از بخشی از ساختارهای اداره کننده جامعه است. لذا اگر تقسیمات ساختارهای اداره جامعه شناسایی شود، در واقع تقسیمات کلی بافت های بیرونی موثر بر تربیت بدست آمده است.

برای همین منظور اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی نظامات اداره کننده جامعه را در سه بخش طبقه بندی کرده است. نقشه راه معتقد است نظامات اداره کننده جامعه در یک تقسیم کلی به نظامات علمی، نظامات عینی و نظامات ذهنی تقسیم میشوند. و اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی شامل ۸۱ موضوع از نظامات ذهنی اداره کننده جامعه می باشد. البته باید دانسته شود که نقشه راه، نظامات ذهنی را ریشه مدیریت نظامات عینی و علمی می داند. در نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی بیان شده است که فضای حاکم بر نهادهای متکفل تربیت از طراحی های کلان ساختارهای اداره ی جامعه تبعیت میکنند. لذا در این نقشه راه هشتاد موضوع غیر مرتبط با تربیت و البته موثر بر آن به عنوان فضای حاکم بر تربیت و یک موضوع هم به عنوان مهره درونی تربیت شناسایی شده است.

در نقشه راه، بافت موضوعات موثر بر نهاد خانواده در سه دسته کلی - نگرش های تقنینی، اجرایی و قضائی مغایر با نهاد خانواده- طبقه بندی شده است. به عبارت دیگر بافت موضوعات موثر بر نهاد خانواده متأثر از بافت فعلی ساختارهای اداره کننده جامعه است.

طبق بررسی های صورت گرفته ریشه ی نگرش های ضد تربیت، مسئله الگوی اداره جامعه است. حال این سؤال مطرح می باشد که این الگو متأثر از چیست؟

پاسخ آن است که این الگو متأثر از توسعه غربی است. به عبارت دیگر الگوی اقتصادی موجود بخشی از الگوی کلان توسعه (Development) برای اداره جامعه است. بنابر این نگرشی که در حوزه اقتصاد-یعنی صنعتی سازی تولید- و یا دیگر حوزه ها ایجاد شده است و اثر تخریبی بر مسئله تربیت دارد؛ حاصل الگوی توسعه غربی می باشد که امروزه در جامعه ی ما بر اساس آن عمل می شود.

نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی معتقد است، اگر تعداد معدودی از نگرش های مغایر با نهاد خانواده شناسایی شود و تبیین گردد که ریشه این نگرش ها الگوی اداره جامعه است؛ به تدریج زمینه طرح و تحقق

الگوی پیشرفت اسلامی ایجاد می شود. چرا که با معرفی توسعه غربی به عنوان ریشه ی نگرش های ضد نهاد خانواده، این الگو به چالش کشیده می شود. بنابر این ریشه عدم تحقق تربیت اسلامی در جامعه و نظام آموزش عالی کشور، عوامل بیرونی و یا فضای حاکم بر تربیت است؛ و فضای حاکم بر مسئله تربیت متأثر از بافت ساختارهای اداره کننده جامعه است. و به دلیل آنکه

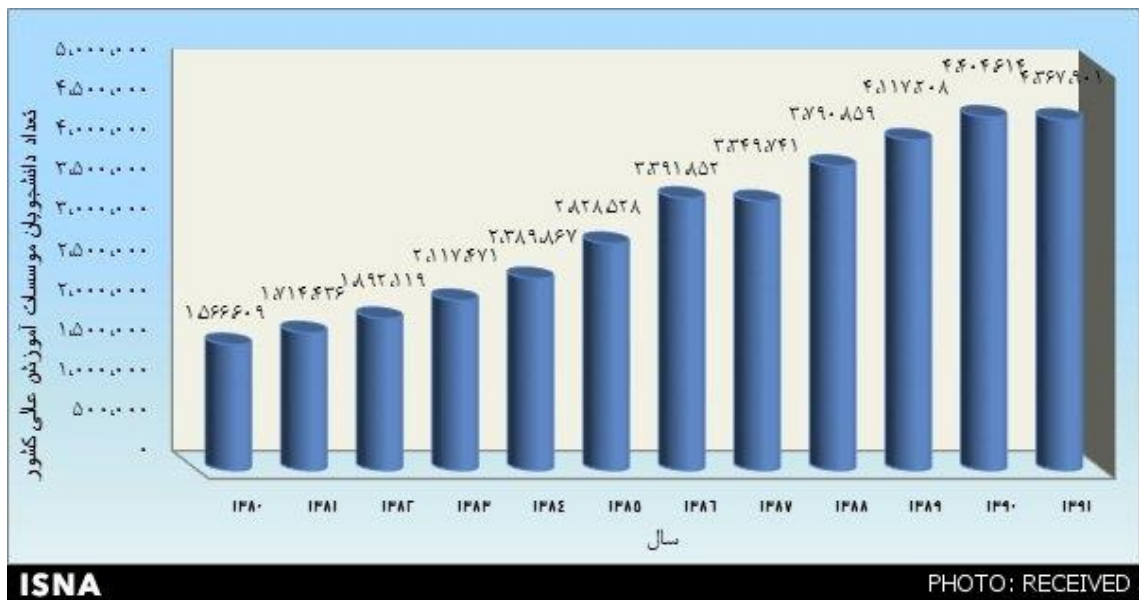
بافت ساختارهای اداره کننده جامعه متأثر از الگوی اداره جامعه است؛ می توان ریشه اصلی عدم تحقق تربیت اسلامی در کشور را بهره گیری از الگوهای ضد تربیت (توسعه محور) دانست.

برای تحقق مسئله تربیت اسلامی به شکل کلان، باید ساختارهای اداره جامعه بر اساس جهت حرکت انقلاب اسلامی تعدیل شود؛ لذا می توان گفت تفاوت نگاه نقشه راه با دیگر نگاه ها در این مسئله است که دیدگاه های دیگر معتقد هستند باید ابتدا ریز الگو ارائه شود؛ اما نقشه راه معتقد است؛ تغییر از ساختارهای کلان آغاز میشود. لذا نقشه راه برای اصلاح تربیت معتقد است باید از بررسی عوارض ضد تربیتی الگوی اداره جامعه آغاز کرد. به اعتقاد شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی، پیشنهاد ارائه شده در زمان حاضر قابلیت اجراء دارد، و می توان احکام برنامه ششم را بر اساس آن طراحی کرد. طرح های شورای راهبردی در مدت پنج سال اول به هیچ عنوان متعرض ساختار اداره جامعه نمی شود. بلکه فقط درخواست الصاق پیوست تربیت، پیشگیری و... را به ساختارهای موجود مطرح می کند. البته به علت نگرش ساز بودن پیوست های پیشنهادی و پردازش آن ها، الصاق پیوست ها منجر به اصلاح نگرش در بدنه ساختارها می شود که در نهایت به تغییر ساختارها نیز خواهد انجامید. (همان: ۱۴-۳۳) در نتیجه موجب افزایش کارکرد مثبت تربیتی آموزش عالی و تأمین اهداف و افزایش قدرت نرم انقلاب اسلامی خواهد شد.

### ۳-۲. توسعه منابع انسانی

با توجه به ظرفیت های آموزش عالی ایران و انقلاب اسلامی در بخش تربیت و توسعه نیروی انسانی متعهد و متخصص و آمارها و تحلیل روند پیشرفت هایی که در طی سی و پنج سال گذشته در این بخش شده است انتظار می رود رشد روز افزونی داشته باشیم، که در نهایت موجب استمرار و حفظ انقلاب، افزایش قدرت بین المللی و منطقه ای ایران و رسیدن به تمدن اسلامی و به طور خلاصه تأمین کننده اهداف انقلاب اسلامی خواهد بود. زیرا عمده ترین منبع استراتژیک هر سازمان و یا هر جامعه و شکل گیری تمدن منابع انسانی آن است. جوامعی در بلند مدت قرین موفقیت خواهند شد که بتوانند منابع انسانی خود را به طور صحیح و اصولی توسعه و پرورش دهند و همراه تقویت دانش و معرفت و مهارت های فنی لازم، افرادی پر کار و معتقد و مومن بسازد. (میرسپا سی، ۱۳۷۸: ۳۶۵) میزان رشد فزاینده جمعیت، توسعه و پیشرفت سریع و روزافزون تکنولوژی، تنوع مناسبات تولیدی و گسترش بی سابقه دامنه امور جوامع، پرورش و تأمین نیروی انسانی متخصص و متناسب با درجات توسعه کشورها ایجاد می کند. در هر جامعه ای مرتبه و جایگاه توسعه اقتصادی و اجتماعی بیش از آنچه به منابع مادی وامکانات عملی آن مربوط باشد، به مجموعه نیروی انسانی متخصص و آرموده، متکی است. (سرداری، ۱۳۷۲: ۳۶۵ - ۳۶۸) توسعه منابع انسانی در مسیر پیشرفتهای سریع علم و تکنولوژی و تغییرات و تحولات ناشی از آنها، تنها پلی است که می تواند جامعه را از دنیای امروز به دنیای پر تغییر و تحول فردا و ایجاد تمدن رهنمون سازد. علاوه بر موارد فوق می توان به افزایش آمار قشر تحصیل کرده، ارتقای معنویت و روحیه ایثار و نمادهای معنوی در آینده اشاره کرد.

به استناد آخرین آمار شورای عالی انقلاب فرهنگی یک رشد ۱۷۸ درصدی تعداد دانشجویان موسسات آموزش عالی کشور را داشته ایم. یعنی شاخص تعداد دانشجویان طی سال های ۱۳۹۱-۱۳۸۰ روندی صعودی را داشته است، به طوری که از تعداد یک میلیون و ۵۶۶ هزار و ۶۰۹ نفر دانشجو در سال ۱۳۸۰ به تعداد چهار میلیون و ۳۶۷ هزار و ۹۰۱ نفر دانشجو در سال ۱۳۹۱ افزایش یافته است .



همچنین تعداد دانشجویان شاغل به تحصیل در مقاطع تحصیلات تکمیلی، از ۷۳ هزار و ۵۷۸ نفر در سال ۱۳۸۰ به تعداد ۵۱۳ هزار و ۶۶۱ نفر در سال ۱۳۹۱ افزایش یافته که این آمار نشان دهنده رشد ۶ برابری شاخص مذکور در بازه زمانی ۱۳۸۰-۱۳۹۱ است. تعداد دانشجویان خارجی شاغل به تحصیل در ایران در مقاطع تحصیلی مختلف (کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکترای تخصصی) از ۱۰۹ نفر در سال ۱۳۸۴ به تعداد هفت هزار و ۸۵۰ نفر در سال ۱۳۹۱ افزایش یافته است که نشان دهنده رشد ۷۱ برابری این شاخص در بازه زمانی ۱۳۸۰-۱۳۹۱ است. همچنین تعداد فارغ التحصیلان دانشگاهی در کشور از ۱۳۰ هزار و ۴۱۱ نفر در سال ۱۳۸۰ به ۷۱۶ هزار و ۹۶ نفر در سال ۱۳۹۱ رسیده است.



همچنین تعداد اعضای هیئت علمی تمام وقت در یک میلیون نفر جمعیت کشور از تعداد ۵۳۲ نفر در سال ۱۳۸۰ به ۹۰۲ نفر در سال ۱۳۹۱ بالغ شده است که نشان دهنده رشد ۷۰ درصدی این شاخص در دوره زمانی مذکور است (دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۴: ۲۵-۴۷).

### ۳. تأثیرات آینده کارکرد نشر و اشاعه دانش و ارزش آموزش عالی بر اهداف انقلاب اسلامی

براساس سند چشم انداز در افق ۱۴۰۴، ایران پیشرو در توسعه مفاهیم الهام بخش علمی و پژوهش های بنیادی و ارتقاء دهنده تحقیقات توسعه ای و کاربردی علم و فناوری بوده و همچنین از ظرفیت جهانی توانمند سازی فارغ التحصیلان و بنگاه های دانش بنیان برای شکل دهی به الگوی دانش بنیان توسعه ملی، مبتنی بر مکتب اسلام برخوردار است. (سند چشم انداز

دانشگاه تهران در افق ۱۴۰۴) مهمترین تأثیرات آینده کارکرد نشر و اشاعه دانش و ارزش آموزش عالی در تأمین اهداف انقلاب اسلامی (حفظ انقلاب، ارائه الگوی اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی و قدرت جهانی انقلاب اسلامی) عبارتند از:

### ۳-۱. جذابیت

وقتی جهان جذب ارزشهای سیاسی و فرهنگی کشور شود این امر قدرت متقاعد سازی به خصوص در بعد فراملی نصیب آن می کند. دانشگاه در کنار سایر مراکز علمی و حوزوی می تواند با ارائه فرهنگ غنی و جذاب اسلامی دل‌های تشنه را مجذوب خود نماید. بی شک هر چقدر ما در این حوزه موفق شویم عمق استراتژیک خود را در جهان نفوذ دادیم. در این رابطه دانشگاه با توجه به ظرفیت ها و تحلیل روند معرفی اسلام ناب محمدی (ص)، معرفی فرهنگ ایرانی - اسلامی - توجه به اصالت‌های تاریخی در بحث اشاعه تولید علم، آینده موفق را برای قدرت نرم کشور به ارمغان می آورد. (الیاسی، ماهیت و عناصر قدرت نرم : ۶۳، ۶۴)

### ۳-۲. صدور انقلاب و الگو شدن

انقلاب از بطن اسلام برخاسته است، اسلام ناب، اسلام حقیقی، اسلام هم در نوع خودش نهضت بود بعد تبدیل شد به شکل و قیافه های دیگری که ما الان شاهدش هستیم. اگر اسلام نهضتی نبود در جهان گسترش پیدا نمی کرد. چیزی که در ماهیتش نهضت است رو به گسترش است نمی شود جلوی آن مانع ایجاد کرد. و چیزی که نهضتی است در ذاتش صدور وجود دارد. بدون صدور نهضت معنا ندارد و راز بقای اسلام هم در صدورش بوده است و نه در ظهورش. (سخنرانی آیت الله سید جواد نقوی از رهبران شیعیان پاکستان)

محققان با تحلیل مفاهیم ابتدایی این هدف و راه های رسیدن به آن، به این نتیجه رسیدند که صدور انقلاب هرگز میسر نمی شود مگر با تلاش برای الگو شدن در همه زمینه ها. از آن زمان، ایران این هدف ارزشمند را در میان مهم ترین اهداف خود قرار داده و برای رسیدن به آن می کوشد. هم اکنون پس از گذشت سی و چند سال از انقلاب، ایران کماکان به دنبال الگو شدن و صدور انقلاب است. باید گفت رسیدن به این هدف بزرگ در جامعه امروز ایران، در گرو برقراری توازن و تناسب میان دو قطب به ظاهر متضاد " ثبات نهادمند " و " تغییرات زیربنایی " در حوزه های مختلف است. (هادی، : ۱۱)

در این میان، آموزش عالی بیش از هر سازمان دیگر می تواند در صدور انقلاب اسلامی، نقش داشته باشد. با توجه به ظرفیت های موجود و تحلیل روند پیشرفت علمی ایران و رشد تحصیل دانشجویان خارجی در دانشگاه های ایران بویژه دانشگاه جامعه المصطفی در دو بخش حضوری و مجازی نوید افزایش صدور تفکر انقلاب اسلامی و اسلام ناب به سراسر جهان را می دهد.

علاوه بر موارد فوق می توان به عدم وابستگی ایران به قدرت های بیگانه در زمینه تکنولوژی و فناوری بویژه فناوری برتر و صنعت و رسیدن به قدرت اقتصادی در منطقه در آینده ایران اشاره کرد.

### ۴. تأثیرات آینده کارکرد جامعه پذیری و فرهنگ سازی آموزش عالی بر اهداف انقلاب اسلامی

تأثیرات آینده کارکرد جامعه پذیری و فرهنگ سازی آموزش عالی در تأمین اهداف انقلاب اسلامی (حفظ انقلاب، ارائه الگوی اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی و قدرت جهانی انقلاب اسلامی) عبارتند از:

### ۴-۱. مشروعیت سیاسی

اگر دانشگاه بتواند تحرک اجتماعی را در اساتید، دانشجویان و طبعاً جامعه ایجاد نماید، باعث فعال سازی نیروهای اجتماعی و ایجاد شور و نشاط در عرصه های سیاسی - اجتماعی جامعه می گردد. این اقدام می تواند پایه های مشروعیت مردمی و بین المللی نظام را که از مولفه های قدرت نرم است را افزایش دهد. جمهوری اسلامی ایران با بهره گیری از ظرفیت های عظیم دانشگاه همچنین روند موجود می تواند اهداف راهبردی خود را پیگیری و به واسطه عمق و گستردگی دانشگاه سریعتر به اهداف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی خود نائل گردد. (افتخاری، قدرت نرم، فرهنگ و امنیت، ۱۳۸۷ : ۲۴۵)

انقلاب اسلامی با ظهور خود افق پیش روی بشریت را گشود. تمدن غربی ساحت وجودی بشر و زندگی بشری را به ساحت مادی و ناسوتی آن تقلیل داده بود و جز مادیت افقی پیش روی بشر ترسیم نمی کرد. انقلاب اسلامی با وقوع خود افق های زندگی بشری را از سطح مادی فراتر برد و زندگی دینی، الهی و معنوی جدیدی را به جهان عرضه کرد. آموزش عالی کشور در خط مقدم عرضه این افق با توجه به نگاه روند شناسانه یعنی تحقق تدریجی آرمان ها و پیشرفت ها اقتضا می کند وسعتی به عقل و تفکر بشر و به تبع آن زندگی بشر بدهد و این گشایش نوید دهنده تمدنی از جنس دیگر و با افق های بلندتر از تمدن کنونی است. (مظاهری، ۱۳۹۳: ۱۲۶، ۱۲۵)

#### ۴-۳. احیای هویت دینی، گسترش و بیداری اسلام

ایران اسلامی توانسته است احیاگر اسلام، دین و معنویت در جهان باشد. به تعبیر پروفیسور محمد حسین هدی، اندیشمند مسلمان مقیم اتریش، «اگر بنا باشد تاریخی را برای احیای هویت دینی (درجهان معاصر) در نظر بگیریم، آن تاریخ ۱۹۷۹ میلادی است یعنی مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی ایران که خیزش عظیمی برای تفکرات دینی در تمام ادیان به وجود آمده است و انقلاب اسلامی ایران موجب احیای تفکر دینی در جهان گشت.» (حاجتی، ۱۳۸۱: ۵۹)

هویت گام نخست تمدن سازی است و بدون توجه به آن نمی توان به تمدن دست یافت. هویت فردی و جمعی، به طور خلاصه؛ یعنی تصویری که "من" از "خود" و "شما" از "خود" و "جامعه" از "خود" دارد.

الگوی اسلامی پیشرفت که در مراحل پایانی تدوین است درصدد است تا تمدنی اسلامی ایرانی را به ارمغان بیاورد. اگر جامعه و افراد موجود در آن بویژه قشر تحصیل کرده و دانشگاهی تصویری اسلامی- ایرانی از خود برسند، و به ثبات در هویت یابی برسند، خلق الگو گامی آسان در رسیدن به تمدن مورد نظر خواهد بود زیرا هدف، قله و مقصد کاملاً مشخص است.

علاوه براین با توجه به ظرفیت های موجود در آموزش عالی و تحلیل روند پیشرفت با الگوی اسلامی پیشرفت، ایران به یکی از الگوهای منطقه و جهان تبدیل خواهد شد و موجب احیا و گسترش روز افزون اسلام و هویت دینی در جهان خواهد شد. احیا و گسترش اسلام چیزی نیست که تنها در کشورهای فقیر و جهان سوم اتفاق افتاده باشد بلکه در کشورهای اروپایی و آمریکایی هم با این پدیده روبه رو شده اند. اگر چه آمار دقیقی از میزان گرایش به اسلام در اروپا وجود ندارد، ناظرانی که به کنترل جمعیت مسلمانان اروپا مشغولند تخمین می زنند که همه ساله هزاران زن و مرد به این دین گرایش می یابند و از این میان تنها تعداد معدودی به گروه های افراطی می پیوندند. (فورد، ۱۳۸۴: ۱۶-۳۲) همچنین نتایج تحقیقی درباره جمعیت مسلمانان در کشورهای اروپایی که روزنامه دیلی تلگراف آن را منتشر ساخته است، نشان می دهد تا سال ۲۰۵۰ م یک پنجم اروپایی ها مسلمان خواهند بود. (خبرگزاری اهل بیت) روزنامه گاردین نیز چندی پیش، براساس مطالعات مرکز تحقیقات پیو، رشد جمعیت مسلمانان اروپا را ۳۵ درصد اعلام و پیش بینی کرد که در سال ۲۰۳۰ م جمعیت مسلمانان پیش از ۱۰ درصد کل جمعیت ده کشور اروپایی را تشکیل می دهد. (WWW.TEBYAN.NET)

آموزش عالی کشور با توجه به نگاه روند شناسانه افزایش تولید علم و فناوری، تربیت نخبگان و معرفی فرهنگ ناب اسلامی اقتضا می کند نقش بیشتری در گسترش و بیداری اسلام و احیای هویت دینی در آینده منطقه و جهان ایفا نماید.

علاوه بر موارد فوق می توان به معرفی اسلام ناب، جهان گرایی تمدن اسلامی، تقویت جنبش های جدید اجتماعی و فرهنگ استکبارستیزی و استقلال خواهی در آینده جهان اشاره کرد.

#### جمع بندی

مبتنی بر بررسی «آینده انقلاب اسلامی و قدرت نرم آموزش عالی»، در تأمین اهداف انقلاب اسلامی براساس اسناد بالادستی از جمله سند چشم انداز، نقشه جامع علمی کشور و الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و روش روند شناسی و ظرفیت شناسی در چهار گفتار تولید علم و فناوری، انتقال دانش و ارزش، نشر و اشاعه دانش و ارزش و جامعه پذیری و فرهنگ سازی مورد تحلیل قرار گرفت.

از آنجا که تحول علمی فناوران در عصر جدید بر «ابتکار» و «خلاقیت» استوار است و ازسویی کشورما به دلیل فراوانی نیروی انسانی تحصیلکرده و متخصص که نقش مهمی در پدید آمدن مزیت رقابتی ایفا می‌کند. بنابراین مهمترین تأثیرات آینده کارکرد تولید علم و فناوری آموزش عالی در تأمین اهداف انقلاب اسلامی (حفظ انقلاب، ارائه الگوی اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی و قدرت جهانی انقلاب اسلامی) عبارت بودند از: ارائه تصویری مثبت از انقلاب اسلامی، مرجعیت علمی، اقتدار علمی و شکل‌گیری تمدن اسلامی و...

مهمترین تأثیرات آینده کارکرد تربیتی آموزش عالی در تأمین اهداف انقلاب اسلامی (حفظ انقلاب، ارائه الگوی اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی و قدرت جهانی انقلاب اسلامی) عبارت بودند از: توسعه منابع انسانی، بهبود مستمر فضای حاکم بر تربیت و اصلاح نگرش‌های ضد تربیتی در نظام آموزش عالی و...

مهمترین تأثیرات آینده کارکرد نشر و اشاعه دانش و ارزش آموزش عالی در تأمین اهداف انقلاب اسلامی (حفظ انقلاب، ارائه الگوی اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی و قدرت جهانی انقلاب اسلامی) نیز عبارت بودند از: جذابیت و صدور انقلاب و الگو شدن و...

و مهمترین تأثیرات آینده کارکرد جامعه‌پذیری و فرهنگ‌سازی آموزش عالی در تأمین اهداف انقلاب اسلامی (حفظ انقلاب، ارائه الگوی اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی و قدرت جهانی انقلاب اسلامی) عبارت بودند از: مشروعیت سیاسی، افق‌گشایی و احیای هویت دینی، گسترش و بیداری اسلامی و...

Archive of SID

۱. افتخاری، اصغر، «سخت افزار گرایبی نوین»، در: جانانان استیل، قدرت نرم در برابر قدرت سخت، محمد جواد هراتی، تهران: دانشگاه امام صادق(ع) ۱۳۹۰
۲. افتخاری، اصغر، قدرت نرم، فرهنگ و امنیت، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج، ۱۳۸۷
۳. افتخاری، اصغر، کاربرد قدرت نرم؛ تحلیلی بر ظرفیت های راهبردی دفاع مقدس، در: محمد جانی پور، دفاع مقدس و قدرت نرم، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰
۴. اکبری، کمال، انقلاب اسلامی و تاثیر آن در نظام جهانی، سایت: <http://kamalakbari.simablog.ir>
۵. الیاسی، محمد حسین، ماهیت و عناصر قدرت نرم، تهران، نشر ساقی، ۱۳۸۸
۶. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با نخبگان، ۱۳۸۷/۲/۱۷
۷. بیانات مقام معظم رهبری در هنگام حلول سال ۱۳۷۳، ۱۳۷۳/۱/۱
۸. تافلر، الوین، جنگ و پادجنگ، تهران، ۱۹۹۳
۹. جمالزاده، ناصر، نقش بسیج در تولید و توسعه قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۷
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، جامعه در قرآن، قم، اسراء، ۱۳۸۷
۱۱. حاجتی، میراحمد رضا، عصر امام خمینی(ره)، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱
۱۲. خبرگزاری اهل بیت: «مسلمان شدن یک پنجم اروپا تا چهل سال آینده». WWW.ABNA.IR
۱۳. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، روند تحولات شاخص های علم و فناوری جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۰-۱۳۹۱)، ۱۳۹۴
۱۴. دی تور، جیمز، آینده پژوهی به عنوان دانشی کاربردی، مترجمان، سید احمد ابراهیمی، عقیل ملکی فر، تهران، فصلنامه علمی و پژوهشی سیاست و رهافت، شماره ۲۰.
۱۵. سایت تبیان: «گاردین: رشد جمعیت مسلمانان اروپا ۳۵ درصد است». [www.tebyan.net](http://www.tebyan.net)
۱۶. سایت: دفتر مقام معظم رهبری
۱۷. سرداری، الف، اثرات تحقیق و توسعه در ارتقاء کیفیت نیروی انسانی، مجموعه مقالات دومین سمینار علم، تکنولوژی و توسعه، دانشگاه صنعتی امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۲
۱۸. سند چشم انداز دانشگاه تهران در افق ۱۴۰۴
۱۹. علی بابایی محمدرسول، الگوی بهبود مستمر فضای حاکم بر نهادهای متکفل تربیت، شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی، ۱۳۹۳
۲۰. علی بابایی، محمدرسول، تبیین جهت حرکت دانشگاه در ایران، شورای راهبردی الگوی پیشرفت، شهریور ۱۳۹۳
۲۱. فورد، پیتر، «زنان اروپایی و گرایش به اسلام»، سیاحت غرب، سال ۳، شماره ۳۲، اسفند ۱۳۸۴
۲۲. کریمی مله، علی، یادداشت سردبیر، فصلنامه مطالعات ملی، ویژه نامه حوزه تمدن ایرانی، سال ۲، شماره ۷، بهار ۱۳۸۰
۲۳. گودرزی، غلامرضا، فرهنگ بسیجی و نظام تصویر سازی آینده نگرانه از منظر قدرت نرم، در: اصغر افتخاری و دیگران، قدرت نرم، فرهنگ و امنیت، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج، ۱۳۸۷
۲۴. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار(جهان بینی توحیدی)، ج ۲، قم، صدرا، ۱۳۶۸
۲۵. -----، مجموعه آثار(انسان و ایمان)، ج ۲، قم، صدرا، ۱۳۶۸
۲۶. -----، مجموعه آثار، ج ۱۳، قم، صدرا، ۱۳۶۸
۲۷. مظاهری، ابودر، افق تمدنی آینده انقلاب اسلامی، اصفهان، آرما، ۱۳۹۳
۲۸. میر سپا سی، ناصر مدیریت منابع انسانی و روابط کار، مؤسسه چاپ و انتشارات مرکز آموزشی مدیریت دولتی، تهران، ۱۳۷۸
۲۹. نقوی، سید جواد از رهبران شیعیان پاکستان، سخنرانی، دانشگاه امام صادق(ع)، خرداد ۸۹
۳۰. هادی، علی رضا، تحلیلی بر آینده انقلاب اسلامی ایران، سایت: <http://www.parsine.com/fa/news>

Archive of SID